

مجموعه مقالات تاریخ محلی

تاریخ محلی پشتکوه

استاد راهنما: دکتر مرتضی نورائی

دانشجو: خدیجه شاولی

ویرایش: ولی الله مسیبی قمبوانی

1387

پشتکوه از زمان تشکیل حکومت آل حسنویه در اواسط قرن چهارم هجری تا انقراض حکمرانی والیان فیلی در سال 1307 ش در تحت سیطره ی حکمرانان محلی بود. با تاسیس سلسله اتابکان لر کوچک توسط شجاع الدین خورشید در نیمه ی دوم قرن ششم، منطقه ی پشتکوه جزء قلمرو لر کوچک بشمار می آمد. اتابکان لر کوچک بیش از چهار قرن در پشتکوه و پیشکوه حکمرانی نمودند و در برابر هجوم مغولان، تیموریان و دیگر حکام محلی حکمرانی خود را حفظ کردند. آنها با به قدرت رسیدن صفویان مطیع آنها گردیدند و تا سال 1006 ق در لرستان حکمرانی نمودند. شاه وردی خان، آخرین اتابک لر کوچک، به علت عملکرد نامطلوبش به دستور شاه عباس به قتل رسید. شاه عباس پس از به قتل رساندن شاه وردی خان، سلسله ی اتابکان لر کوچک را منقرض و لقب اتابکی را منسوخ کرد و حسین خان فیلی را بر سریر فرمانروایی لرستان منصوب و عنوان والی را بدو داد. والیان فیلی از عصر شاه عباس تا عهد آقا محمد خان قاجار بر سراسر منطقه ی پیشکوه و پشتکوه حکمرانی می کردند تا این که فتحعلی شاه، پیشکوه لرستان را از دست والیان خارج نمود و قلمرو والیان لرستان را منحصر به پشتکوه کرد. با محدود شدن قلمرو والیان فیلی لرستان به پشتکوه، آنان عملاً به نام والیان پشتکوه نامبرده گشتند و کلمه " فیلی " که تا آن زمان بر همه ی ایلات و طوایف پشتکوه و پیشکوه اطلاق می شد، محدود به طوایف پشتکوه گردید.

پشتکوه در دوره ی قاجار جزء ایالات خراج گزار و والی نشین محسوب می شد. در پشتکوه، والی بالاترین مقام حکومتی بود که حکم آن از طرف شاه تایید می شد. والی در مقابل حکومت مرکزی مؤظف به انجام خدمات نظامی و پرداخت مالیات سالانه بود و تا زمانی که این دو وظیفه را انجام می داد، حکمرانی اش دوام داشت و در اداره ی امور محلی خود آزادی عمل داشت. والیان پشتکوه با تکیه بر نیروی ایلات و عشایر تحت امرشان بارها حملات عثمانی ها و اعراب عراق را دفع کردند و علاوه بر برقراری ثبات و امنیت در قلمرو خویش، حکومت مرکزی را در دفع شورش دیگر مناطق و برقراری ثبات و امنیت در مناطق همجوار پشتکوه یاری دادند.

در دوره ی حکمرانی والیان فیلی علی رغم امنیت و ثبات نسبی، عده زیادی از ساکنان پشتکوه به علل مختلفی به عراق مهاجرت کردند. ویژگی مهم تاریخ سیاسی پشتکوه، تداوم حاکمیت سیاسی والیان فیلی در آن منطقه می باشد و مهم ترین پدیده ی اجتماعی پشتکوه در دوره ی حکمرانی والیان فیلی، مهاجرت ساکنانش به عراق است.

فصل اول:

جغرافیای طبیعی پشتکوه

پشتکوه (ایلام) در غرب ایران واقع شده و از شمال به کرمانشاه و از جنوب به خوزستان و کشور عراق، از مشرق با لرستان و از مغرب با کشور عراق همسایه است. این منطقه تا قبل از دوره قاجار جزء ایالت لر کوچک یا لرستان به شمار می رفت.

لرستان در دوره صفویه شامل منطقه وسیعی می شد. عرض این ولایت از یک طرف متصل می شد به ولایت همدان و قلمرو علیشکر و از طرف دیگر به ناحیه ی خوزستان، و طول آن از بروجرد تا حدود بغداد و سایر مناطق عراق نزدیک به یکصد فرسخ بوده است.

جرج کرزن، لر کوچک را ناحیه ای می داند که: "بین دزفول در جنوب و حدود کرمانشاه در شمال و بین آب دز در مشرق و سرحد عثمانی در غرب" قرار دارد. لر کوچک شامل استان های ایلام و لرستان کنونی می شد. با انقراض سلسله ی اتابکان خورشیدی و روی کار آمدن سلسله ی والیان فیلی، ایالت لر کوچک به نام لرستان فیلی مشهور گردید.

سراسر منطقه ی لرستان فیلی به وسیله ی رشته کوه بلند و طولانی کبیرکوه که از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده به دو قسمت تقسیم می شود، منطقه ای که در غرب و جنوب غربی کبیرکوه قرار گرفته، پشتکوه و منطقه ای که در شرق و شمال شرقی آن کوه واقع گردیده، پیشکوه می گفتند.

والیان فیلی از عصر شاه عباس تا اوایل دوره ی قاجار بر سراسر منطقه ی لرستان پشتکوه و پیشکوه حکم رانی می کردند، ولی فتحعلی شاه قاجار پیشکوه را زیر سلطه ی آنها بیرون آورد و قلمرو والیان فیلی را منحصر به پشتکوه کرد. با محدود شدن قلمرو والیان فیلی به پشتکوه، آن منطقه نیز به نام پشتکوه فیلی نامیده شد. همچنین از آن زمان به بعد کلمه ی فیلی محدود به ایالت و عشایر پشتکوه گردید.

محدود شدن قلمرو والیان لرستان به پشتکوه سبب گردید که آن منطقه به صورت یک ایالت منسجم با مرزهای مشخص درآید. منطقه ی پشتکوه از شمال به ایالت کرمانشاه و ایوان، از جنوب به رودخانه ی کرخه، از غرب به سلسله جبال حمیرین و از شرق به رودخانه ی سیمره محدود می شد.

طول پشتکوه از کوهستان رنو و مانشت درشمال تا منطقه ی پتک و موسیان در جنوب آن در حدود 250 کیلومتر، و عرض آن از منطقه ی هلیلان در شرق تا باغشاهی در غرب بین 140 تا 150 کیلومتر بوده است.

آب و هوا

نواحی شمال و شمال شرقی پشتکوه کوهستانی و جنوب غربی و غرب آن از زمین های کم ارتفاع و پست تشکیل یافته است. آب و هوای آن به سبب تاثیر پذیری از عوامل گوناگونی چون عرض جغرافیایی، امتداد رشته کوههای بلند زاگرس، فاصله از بیابانهای عراق و بادهای محلی و ناحیه ای، ازتنوع زیادی برخوردار است.

نقاط گرمسیری پشتکوه در حاشیه ی مرز آن منطقه با عراق قرار دارند و شامل دشت های دهلران و مهران و کوه های کم ارتفاع حمیرین می شود. این مناطق بیشتر دارای آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی هستند. دیگر نقاط پشتکوه به علت کوهستانی بودن، آب و هوای معتدل و سرد کوهستانی دارند.

ارتفاعات

پشتکوه ناحیه ای است کوهستانی با ارتفاعات کشیده و پیوسته که عبور از آنها به سادگی میسر نیست. کوههایی که رزم آرا آنها را بهترین نمونه ی کوهستان های عظیم و غیرقابل نفوذ ایران به حساب آورده است.

ناهمواری های پشتکوه به دو قسمت تقسیم می شوند، ناهمواری های شرقی و شمال شرقی که از کوه ها و ارتفاعات بلند شکل گرفته، و ارتفاعات نیمه ی غربی و جنوب غربی در ناحیه ای کم ارتفاع با شیبی ملایم به طرف جنوب امتداد دارند. مهم ترین ارتفاعات پشتکوه به شرح زیر است:

کبیرکوه

کبیرکوه مهمترین رشته کوه از کوههای زاگرس در پشتکوه است که همچون سدی نفوذناپذیر در شرق و شمال پشتکوه قرار گرفته و آن منطقه را از لرستان پیشکوه جدا می نماید. کبیرکوه به عنوان یکی از بزرگترین ارتفاعات ایران محسوب می شود. طول آن بیش از 170 کیلومتر است و در بعضی نقاط پهنای آن به 20 کیلومتر می رسد. جهت کبیرکوه نیز مانند سلسله جبال زاگرس شمال غربی - جنوب شرقی است و سراسر آن پوشیده از درختان کهنسال بلوط، انجیر، پسته و بادام کوهی است.

دینارکوه

دینارکوه در شمال دهلران، بین آبدانان و دهلران قرار گرفته است. ارتفاع آن 1955 متر و طول آن 72 کیلومتر است.

سلسله جبال حمربین

سلسله جبال حمربین از بهرام آباد مهران شروع و به جلگه ی خوزستان منتهی می شود. این سلسله جبال در غرب پشتکوه قرار دارد و مرز طبیعی ایران و عراق محسوب می شود. کوه مانشت در شمال ایلام و کوه دالپری در شرق دهلران از دیگر ناهمواری های مهم پشتکوه می باشند.

دشت ها

در نواحی کوهستانی پشتکوه بین رشته کوهها، دشت های کم وسعتی قرار دارند که مهم ترین آنها عبارتند از: آبدانان، هلیلان، شیروان، ایلام، بدره، صالح آباد و زرین آباد. در قسمت جنوب غربی و غرب پشتکوه دشت های وسیع و گرمسیری مهران، دهلران و دشت عباس قرار گرفته اند.

رودها

پشتکوه در دامان خود پذیرای رودخانه های نسبتا بزرگ و پرآبی است که در اطراف و مرکز این قلمرو در جریان هستند. اغلب این رودها به دلیل شیب از شرق به غرب در جریان هستند و وارد خاک عراق می شوند. رودخانه های این منطقه به علت آبدهی مناسب و مشروب نمودن اراضی کشاورزی در مسیر خود اهمیت ویژه ای دارند. مهمترین این رودخانه ها عبارتند از:

رودخانه ی سیمره

این رودخانه از حوالی کوه الوند در همدان سرچشمه می گیرد و پس از دریافت شعبه هایی از ملایر، تویسرکان و نهاوند از بستر کوهستانی باریکی می گذرد و با عبور از کنار بیستون به کرمانشاه می رسد. در آنجا پس از الحاق رود قره سو به آن و مشروب ساختن کرمانشاه با دریافت شعبه هایی چون رود ماهی دشت، هلیلان و کرند وارد لرستان می شود. رود سیمره در این استان در بستری سنگی و عمیق در پای کبیرکوه به جریان خود ادامه می دهد و پس از دریافت شعبه های کشکان، زال و هرو در مسیر خود به دره ای عمیق و بستری تنگ وارد می شود. این رود در ادامه ی جریان خود با عبور از استان ایلام ضمن دریافت شعبه هایی چون سراب کلان، کلم و سیکان به سوی جلگه ی خوزستان پیش می رود و در نهایت وارد هور هویزه می شود. این رودخانه در مسیر خود از سرچشمه تا خوزستان، نام های مختلفی به خود می گیرد. در قسمت علیا به گاماسب، در قسمت وسطی به سیمره و در قسمت سفلا به کرخه موسوم است.

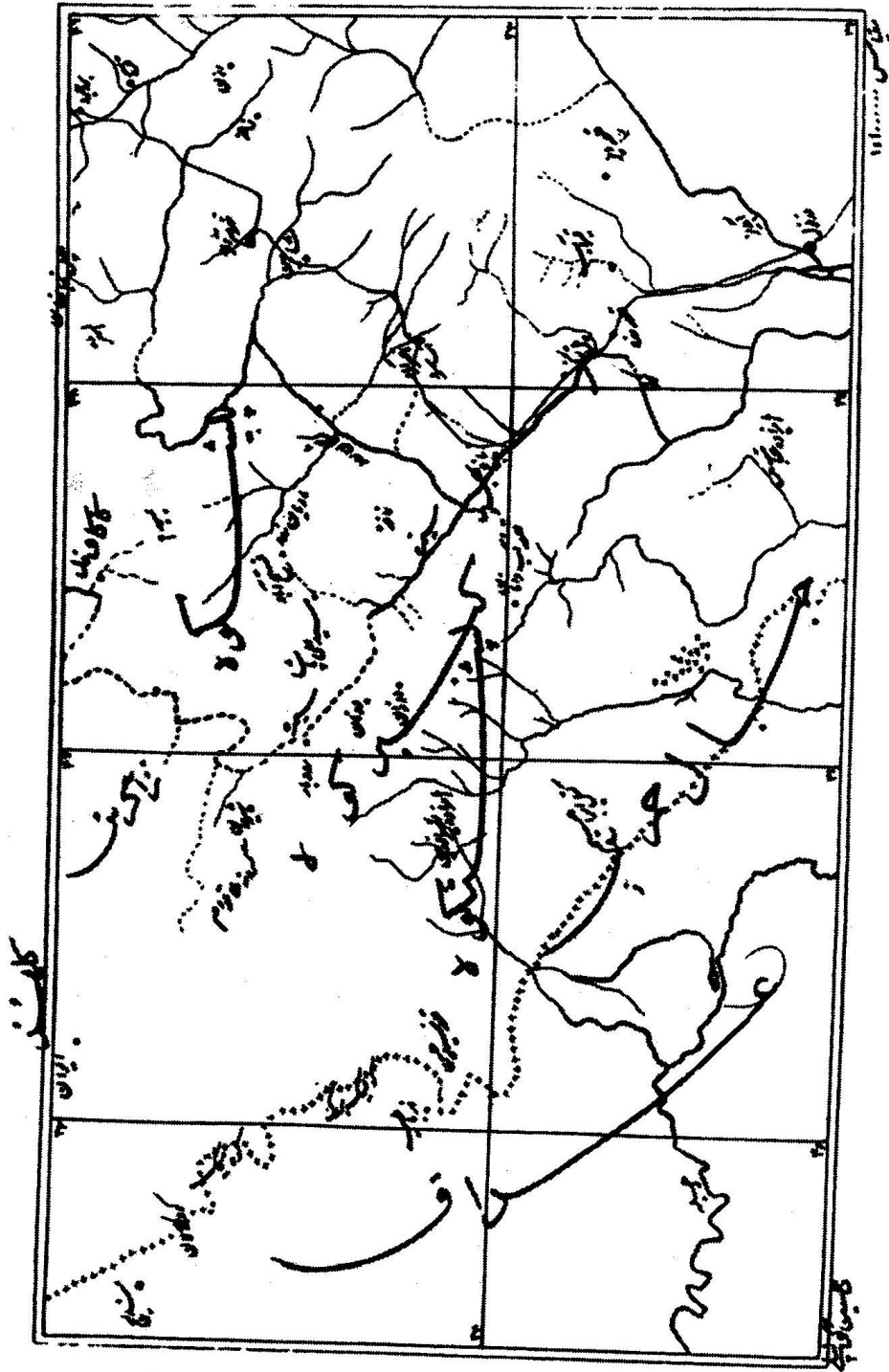
رودخانه دویرج

رودخانه دویرج از سراب آبدانان سرچشمه گرفته و تا معبر دینارکوه به آن "تلی زی" می گویند و آب آن تا این قسمت شیرین است و از دینارکوه به بعد که آب های شور به نام رود شور و زنگل ماهی بدان می پیوندند، به نام دویرج موسوم می گردد. این رود با گذر از 15 کیلومتری جنوب دهلران وارد عراق می شود و به هور هویزه می ریزد.

رودخانه های کنجان چم

یکی از موارد مورد اختلاف ایران و عثمانی در منطقه پشتکوه رودخانه ی کنجان چم بود. این رودخانه از کوههای سیوان در پشتکوه سرچشمه می گیرد و مهم ترین رودی است که در دوره ی والیان از آن جهت آبیاری اراضی کشاورزی استفاده می شد و برای سهولت استفاده از آن، قنات ها و نهلهایی احداث کردند. رودخانه ی کنجان چم پس از مشروب نمودن اراضی صیفی و ملخطاوی از مرز مهران وارد خاک عراق می شود و به رود دجله می ریزد.

عثمانی ها برای تامین آب مناطقی که منابع آب آنها منحصر به رودخانه ی کنجان چم بود، پی درپی به اراضی صیفی و ملخطاوی که بوسیله ی این رودخانه آبیاری می شدند، هجوم می آوردند و با شکستن سدها و نهرها و آتش زدن مزارع آنجا مانع از کشاورزی اهالی پشتکوه در اطراف این رودخانه می شدند و آب رودخانه را با زور به عراق سرازیر می کردند. والیان پشتکوه بارها تجاوزات عثمانی ها به اراضی را دفع کردند و مانع تصرف آن مناطق توسط عثمانی ها شدند



نقشه بوشکوه و پیشکوه

فصل دوم:

جغرافیای تاریخی

پشتکوه

تمدن ایلام

منطقه ی پشتکوه میراث اقوام و نژادهای گوناگونی است که قرن ها در این ناحیه زندگی و نام های گوناگونی نیز در طی دوره های مختلف برای آن ذکر کرده اند.

به نظر می رسد قدیمی ترین نام را بابلی ها بر پشتکوه نهاده اند، زیرا بابلی ها قسمت مرتفع سرزمینی را که در مشرق بابل قرارداداشت " الامتو " یا " الام " یعنی کوهستان و شاید کشور طلوع خورشید یعنی مشرق می نامیدند. احتمالا بابلی ها به واسطه ی کوههای بلند پشتکوه نام ایلام را بر امپراتوری ایلام اطلاق کردند، زیرا اهالی ایلام دولت خود را " انزان سوسونکا " می نامیدند.

پشتکوه تا قبل از تشکیل دولت ماد جزئی از امپراتوری ایلام بود. با ورود آریایی ها و تشکیل حکومت های آریایی نژاد، امپراتوری ایلام به تصرف آنان درآمد و منطقه ی پشتکوه به تدریج به محل سکونت اقوام مهاجر آریایی نژاد تبدیل شد.

در دوره ساسانیان از منطقه ی پشتکوه به نام " ماسبذان " یاد شده است. پروتق ترین عصر تاریخی ماسبذان مربوط به دوره ی ساسانی است که این ایالت در مرکز قلمرو حکومت ساسانیان قرار داشت و یکی از شاهراههای بین النهرین به خراسان از این منطقه می گذشت. آثار و خرابه های دوشهر سیروان و سیمره و پل های چم نشست و گاومیشان موید این مطلب است. ماسبذان در دوره ی اشکانی جزئی از سرزمین پهل به شمار می آمد و در دوره ی ساسانی این منطقه جزء گسنگ آذربایجان بود.

ماسبذان

نام باستانی پشتکوه که تا قرن ششم به آن اسم خوانده می شد، ماسبذان بود و مورخین و جغرافی دانان مسلمان به مناسبت های مختلف از آن یاد کرده اند. مؤلف البلدان، ماسبذان را جزء استان جبل ذکر می نماید و آن منطقه را چنین توصیف می

کند: " ماسبذان شهری است جلیل القدر و با عظمت و پر وسعت میان کوهها و دره ها که به آن " سیروان " گفته می شود و از همه شهرها به مکه شبیه تر است."

شهر سیروان مرکز ماسبذان می باشد که بعد از زلزله سال ۳۳۴ ق ویران گردید و امروز آثار و خرابه های این شهر در نزدیکی سراب کلان در شرق ایلام موجود است.

در دوره ی اسلامی

ماسبذان در دوران خلافت عمر به تصرف مسلمانان در آمد و حاکمان این منطقه تا اواسط قرن چهارم که حکومت محلی حسنویه در آن منطقه تاسیس گردید، توسط خلفای بنی امیه و بنی عباس تعیین می شد. ماسبذان تا زمان تشکیل حکومت اتابکان لر کوچک، در اواخر قرن ششم جزء ایالت جبال به شمار می رفت. نام ایالت جبال در قرن ششم به عراق عجم تغییر یافت. با تشکیل سلسله ی اتابکان لر کوچک در اواخر قرن ششم در دو منطقه ی مهرجانقذق و ماسبذان، این دو نام باستانی که تا آن زمان بر لرستان و ایلام اطلاق می شد، منسوخ، و به آن دو منطقه لر کوچک اطلاق گردید. منطقه لر کوچک در دوره ی صفویه، لرستان نامیده می شد. با انقراض سلسله ی اتابکان لر کوچک و روی کار آمدن والیان فیلی ایالت لر کوچک به نام لرستان فیلی نام گذاری شد که شامل دو منطقه ی پشتکوه و پیشکوه می گردید. در دوره ی قاجار پیشکوه به نام لرستان و از پشتکوه به نام پشتکوه لرستان و پشتکوه فیلی یاد شده است.

اتابکان لر کوچک

یکی از مهمترین سلسله های محلی که در اواخر قرن ششم در ایران روی کار آمد، اتابکان لر کوچک بود که به مدت بیش از چهار قرن بر لرستان و ایلام حکومت کردند. لقب اتابکان به برخی از امرای بزرگ سلجوقی اطلاق می شد که به عنوان مربی شاهزادگان سلجوقی انتخاب می شدند و گاه آنان از سوی سلاطین به همراه شاهزاده ای سلجوقی حکومت می یافتند. به تدریج در دوره ی زوال سلجوقیان این لقب به امرایی که فرمان می راندند بی آنکه شاهزاده ای را تحت حمایت و تربیت خود داشته باشند، اطلاق می شد و اتابکان لر کوچک هم از این گونه امرا بودند.

نسب والیان

بعد از انقراض سلسله ی اتابکان خورشیدی، والیان فیلی در سال 1006 ق به فرمان شاه عباس بر سریر فرمانروایی لرستان قرار گرفتند. حسین خان اولین والی از خاندان فیلی می باشد که در سال 1006 ق بعد از به قتل رسیدن شاه وردی خان توسط شاه عباس به حکمرانی لرستان منصوب گردید. بیشتر حکومت های ایران بعد از اسلام، ریشه ی نژادی خود را به یکی

از پادشاهان ایران پیش از اسلام و یا یکی از امامان شیعه می‌رسانند. والیان لرستان هم از این قاعده مستثنی نبودند. آنها برای ایجاد مشروعیت دینی و سیاسی حکومت خویش نزد ایلات و عشایر شیعه مذهب قلمروشان، سلسله‌ی نسب خود را به حضرت علی می‌رسانند که با بررسی و تطبیق اجداد این والیان، واهی و ساختگی بودن این شجره‌نامه مشخص می‌شود.

فیلی

به صراحت نمی‌توان گفت که معنای کلمه‌ی "فیلی" چیست و ریشه‌آن به کجا برمی‌گردد. حمید یزدان پناه درباره‌ی ریشه‌ی کلمه‌ی فیلی و اینکه چرا به لرستان نیز فیلی می‌گفتند، می‌نویسد: "شاید فیلی از کلمه‌ی فهله یا پهله یا پهلو باشد. لرستان را نیز فیلی می‌گفتند بدان جهت که جزء منطقه‌ی پهله بوده است."

پهله یا پهلو نام سرزمینی است که سلسله‌ی اشکانی، پادشاهی خویش را از آجا آغاز کرده‌اند و شامل اصفهان، ری، همدان، کرمانشاهان، دینور، ماسبدان، مهرجانقدق، نهاوند، قم و قزوین می‌باشد. همچنین در استان ایلام منطقه‌ای به نام پهله وجود دارد که برخی معتقدند کلمه‌ی فیلی معرب شده از کلمه‌ی پهله (ایلا) می‌باشد. برخی نیز معتقدند از آنجا که "پهل" در لهجه‌ی کردی فیلی به معنای سنگ می‌باشد و پهله‌ای یعنی کوهستانی، و چون منطقه‌ی لرستان سنگلاخی و کوهستانی می‌باشد بدان جهت به آن لرستان فیلی می‌گفتند. برخی بر این باورند که کلمه‌ی فیلی از فیل آمده است و در توجیه این مطلب می‌گویند که اجداد این سرزمین فیل پرورش می‌دادند.

فصل سوم:

والیان پشتکوه در عهد قاجار

پشتکوه و مرکزیت سیاسی

دو منطقه پشتکوه (ایلام) و پیشکوه (لرستان) از اواخر قرن ششم تا اوایل دوره قاجار یک ایالت محسوب می شدند که به آن دو لر کوچک یا لرستان اطلاق می شد و توسط حاکمان محلی اداره می شدند. مقرر حکام لرستان در این دوره ی طولانی، قلعه ی فلک الافلاک خرم آباد بود و هسته ی اصلی نیروهای آنان نیز از ایالت و عشایر پیشکوه تشکیل می شد که پرجمعیت تر و آبادتر از پشتکوه بود.

در اوایل دوره قاجار، سلطه ی والیان فیلی از منطقه پیشکوه لرستان برچیده شد و قلمرو آنان منحصر به پشتکوه گردید و حسن خان والی مقرر حکمرانی خود را از قلعه ی فلک الافلاک به ده بالا در پشتکوه انتقال داد. والیان لرستان با محدود شدن قلمروشان به پشتکوه به نام والیان پشتکوه نامیده شدند و عنوان فیلی نیز از این زمان به بعد فقط به طوایف پشتکوه اطلاق می گردید. پشتکوه که تا قبل از حکومت قاجار چندان اهمیتی نداشت، با محدود شدن حکمرانی والیان لرستان در آنجا به صورت یک ایالت منسجم با مرزهای مشخص درآمد. در بررسی علت محدود شدن قلمرو والیان لرستان به پشتکوه دو عامل اصلی را می توان برشمرد:

نارضایتی مردم

لرستان در دوره ی حکمرانی اسماعیل خان فیلی به دنبال جنگ و گریزهای طولانی او با کریم خان زند در وضعیت آشفته و نابسامانی به سر می برد. یکی از عوامل برچیده شدن سلطه ی والیان فیلی از پیشکوه لرستان نارضایتی مردم بود، زیرا ظلم و ستم اسماعیل خان و فرزندانش به ایالت و طوایف پیشکوه باعث نارضایتی و مخالفت مردم با ادامه ی حکومت آنان در آن منطقه گردید.

سیاست قاجاری کردن ایران

در عصر قاجار بویژه دوران پادشاهی فتحعلی شاه، ایالات و مناطقی که در دست حکام محلی و خارج از حیطه قدرت مرکزی بودند، به زیر سلطه ی حکومت مرکزی درآمدند و شاهزادگان قاجاری در راس آن ایالات قرار گرفتند. سیاست فتحعلی شاه در

مبارزه با حکام محلی صرفاً تداوم چالش دو نیروی مرکزگرا و مرکزگریز محسوب نمی شد، بلکه سیاست های وی علیه فرمانروایان محلی بیشتر ناشی از فزون طلبی اشرافیت نوظهور قاجاری بود که خواهان جاه و مقام و منصب فرمانروایی بود، فتحعلی شاه هم برای اینکه شورش احتمالی آنان را کنترل کند و هم برای بسط و نفوذ سلطه ی قاجارها بر ایالات و ولایات مختلف، شاهزادگان را به حکمرانی مناطق مختلف منصوب کرد. فتحعلی شاه یکی از فرزندان نامدار خود را بنام محمدعلی میرزا به عنوان حاکم ایالت کرمانشاه، خوزستان و لرستان منصوب نمود. وی قلمرو والیان فیلی را محدود به پشتکوه کرد و لرستان پیشکوه را از دست حسن خان والی خارج نمود.

حسن خان

حسن خان فرزند اسدخان و نوه اسماعیل خان فیلی می باشد. اسدخان در اواخر عمر پدرش حاکم پشتکوه گردید، ولی قبل از اسماعیل خان درگذشت.

دوران والیگری حسن خان مصادف با پادشاهی فتحعلی شاه قاجار است و از مهم ترین وقایع دوره ی والیگری او محدود شدن قلمرو والیان فیلی به پشتکوه می باشد. وی حکومت مرکزی را در دفع شورش محمدخان زند و حسین قلی خان قاجار یاری نمود و در لشکرکشی محمدعلی میرزا به عثمانی حضور داشت.

والیان سه گانه

بعد از وفات حسن خان ابتدا علی خان پسر بزرگش خود را والی خواند، ولی حکومت مرکزی حیدرخان برادر کوچکتر او را به عنوان والی معرفی کرد. این اقدام مورد مخالفت برادران او قرار گرفت و علی خان به میان اعراب بنی لام فرار کرد. سرانجام حکومت مرکزی والیگری پشتکوه را به سه تن از پسران حسن خان واگذار کرد. آن سه برادر ایالت پشتکوه را بین خود تقسیم کردند و هریک از آنها بر تعدادی ایل و طایفه حاکم گردید. قلمرو احمدخان شامل مناطق چرداول، ملکشاهی و صالح آباد می شد و مناطق ارکوازی، پنج ستونی، ده بالا، میش خاص، بهری، هندمینی، شیروان، صیفی و ملخطوای به حیدرخان تعلق گرفت و علی خان نیز بر مناطق دهلران، زرین آباد و آبدانان حاکم بود.

عباس قلی خان

زمانی که علی خان و حیدرخان در پشتکوه حکمرانی می کردند، وقایع نگاران دوره ی قاجار عباس قلی خان فرزند احمدخان به عنوان والی پشتکوه یاد می کنند که در سال 1267 ه.ق / 1856 در دفع شورش علی مردان خان رئیس طوایف دلفان به خانلر میرزا احتشام الدوله حاکم لرستان و خوزستان کمک می کند. عباس قلی خان بین سالهای 1273 ق / 1856 م تا

1280 ه.ق / 1863 م برای مدتی حاکم کل پشتکوه بود. پشتکوه در زمان والیگری وی در وضعیت آشفته و نابسامانی بسر می برد. در سال 1279 ه.ق از یک طرف نیروهای عثمانی و اعراب بنی لام به پشتکوه هجوم آوردند و مناطقی را تسخیر کردند و از طرف دیگر قحطی و خشکسالی سنگینی در پشتکوه اتفاق افتاد. در این زمان ثبات سیاسی در پشتکوه وجود نداشت. وی در سال 1278 ه.ق عزل گردید ولی به دربار تهران رفت و دوباره به والیگری پشتکوه منصوب گردید. او تا سال 1280 در آنجا حکمرانی کرد و در این سال به علت بی کفایتی در اداره ی پشتکوه برکنار گردید.

حسین قلی خان

حسین قلی خان بعد از وفات پدرش حیدرخان در سال 1273 ه.ق درصدد جانشینی او برآمد اما در این راه با مخالفتها و کارشکنی های عمومیش احمدخان و فرزند او عباس قلی خان مواجه گردید. حسین قلی خان برای مدتی در پشتکوه حکمرانی کرد، ولی پس از چندی به واسطه ی دسیسه چینی های عباس قلی خان عزل شد و قلمروش به تصرف او درآمد. حسین قلی خان چون از حمایت حکومت مرکزی برخوردار نبود و توانایی مقابله با عباس قلی خان را نداشت به عراق فرار کرد. در مدت اقامت او در عراق برادرش موسی خان برای رسیدن به قدرت تلاش نمود .

ظل السلطان و حسین قلی خان

در سال 1297 ه.ق حکومت دو ایالت لرستان و خوزستان به ظل السلطان واگذار گردید. وی لایق ترین پسران ناصرالدین شاه بود که هیچ یک مانند او در نظم و نسق و ملک داری و تامین امنیت جدی و کوشا نبود، چنان که قلمرو حکمرانی او از نظم و آرامش بیشتری نسبت به سایر مناطق ایران برخوردار بود.

والیان پشتکوه و اعراب بنی لام

قبیله بنی لام از قبایل بزرگ و معروف عرب است که در جنوب عراق و مناطق مرزی پشتکوه ساکن می باشند. آنها پیوسته مردم پشتکوه را مورد تجاوز و غارت قرار می دادند و درطول حکومت والیان پشتکوه، کشمکش با آنها دوام داشت. اعراب بنی لام در دوره ی قاجار به تدریج در اراضی بین رودخانه ی دویرج و کرخه ساکن شدند. در زمان حکومت علی خان، اطراف دهلران از مناطق قشلاقی طوایف آنها گردید. اعراب بنی لام در زمان والیگری عباس قلی خان که حاکمی ضعیف و ناتوان بود، وارد قلمرو پشتکوه شدند و باعث اغتشاش و ناامنی گردیدند. بسیاری از اعراب بنی لام که هم اکنون در مناطق جنوبی استان ایلام ساکن می باشند، در دوره ی والیان جزء تبعه ی عثمانی محسوب می شدند که با پرداخت حق المرتع به والی پشتکوه مدتی از سال را در مناطق گرمسیری پشتکوه می گذراندند. آنها در عصر رضاخان در جنوب پشتکوه ساکن شدند و تابعیت ایرانی را پذیرفتند.

اختلافات مرزی

والیان لرستان و پشتکوه به عنوان حاکمان مرزی خدمات شایانی در دفاع از مرزهای غربی ایران در برابر تهاجم عثمانی ها انجام دادند. آنها از همان ابتدا که به فرمان شاه عباس بر سریر فرمانروایی لرستان و پشتکوه قرار گرفتند، به عنوان مرزداران خطه ی غرب مورد توجه شاهان صفوی بودند. در اوایل دوره ی قاجار با محدود شدن قلمرو والیان فیلی به پشتکوه، آن منطقه به صورت سدی محکم در مقابل توسعه طلبی های عثمانی ها درآمد. اختلافات مرزی ایران و عثمانی از زمان صفویه تا عهد قاجار همیشه باعث نزاع و کشمکش بین دو طرف بود. در این میان مناطقی از نواحی مرزی پشتکوه نیز از نواحی مورد نزاع بود که عثمانی ها مدعی حاکمیت بر آن مناطق بودند. معادن نمک پشتکوه، اراضی صیفی و ملخطاوی و باغشاهی از جمله مناطق مورد اختلاف دو کشور بودند. علاوه بر این مناطق، رودخانه ی کنجان چم نیز از عوامل نزاع ایران و عثمانی در منطقه ی پشتکوه بود.

اختلافات مرزی والیان پشتکوه با عثمانی ها بعد از تحدید حدود 1332 ق بین ایران و عثمانی تا حدی کاهش یافت. بر اساس این تحدید حدود یکی از معادن نمک پشتکوه بنام "مشهد" و منطقه ی باغشاهی به دولت عثمانی و اراضی صیفی و ملخطاوی به ایران تعلق گرفت.

فصل چهارم

اوضاع اجتماعی پشتکوه

حیات اجتماعی و مهاجرت

موقعیت جغرافیایی و همجواری پشتکوه با عراق اهمیت ویژه ای به آن داده بود. عوامل طبیعی ون رود سیمره و کوه بلند و طویل کبیرکوه در شرق، کوه های مانشت و رنو در شمال و بیابانهای گرم و سوزان بین رودخانه ی دویرج و کرخه در جنوب پشتکوه، سبب شده بود که ساکنان آنجا کمترین ارتباط را با مناطق همجوار خود در ایران داشته باشند و دادوستد و تعامل فرهنگی و اجتماعی پشتکوه از زمان های بسیار دور تا عصر رضاشاه محدود به شهرهای عراق شود. در عصر رضاشاه با تصرف پشتکوه و ایجاد راه های ارتباطی در آنجا و محدودیت در رفت و آمد به عراق، ساکنان پشتکوه بنای دادوستد با شهرهای همجوار خود در ایران را گذاشتند. مهمترین پدیده ی اجتماعی پشتکوه در عصر والیان مهاجرت می باشد که بسیاری از ساکنان آنجا به علل مختلفی پشتکوه را ترک و به عراق مهاجرت می نمایند. از عوامل مهاجرت می توان به افزایش مالیات، جنگ های خانوادگی والیان، قحطی و خشکسالی و سختگیری های والیان به عنوان عوامل رانش و جذابیت های اقتصادی و زمینه ی اشغال در شهرهای عراق به عنوان عوامل جذب اشاره کرد.

ساخت اجتماعی

از موضوعات بسیارمهم در جامعه شناسی ایلات و عشایر بررسی و مطالعه ی ساختار سنتی و سلسله مراتب قدرت در نظام عشایری است. اصولا هر ایل بطور سنتی ساخت اجتماعی ویژه ای دارد که زیر شاخه ها براساس آن شکل گرفته اند و یک رابطه ی ساختی کارکردی بین آنها برقرار است.

کوچندگی، یکی از مشخصات بارز عشایری است که براساس رده بندی های اجتماعی شکل می گیرد. پایه و اساس رده بندی سنتی عشایر بخاطر بهره گیری بهینه از مرتع بوجود آمده است. ایلات و عشایر کوچنده ی پشتکوه برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود از یک نظام رده بندی کهن برخوردار بودند. که از نظر درون ساختی به دو قسمت زیر تقسیم می شود:

- ساخت سنتی اجتماعی

- ساخت سنتی رده های قدرت

ایلات و طوایف پشتکوه در دوره ی والیان به دو گروه طوایف عمله ی والی و ایل های مستقل تقسیم می شدند.

عمله ی والی

عمله ی والی خانوارهایی از طوایف و ایلات مختلف پشتکوه بودند که همراه با والی در املاک او بیلاق و قشلاق می کردند و زندگی خود را در کنار محل مسکونی والی می گذراندند. عمله ی والیان پشتکوه از زمان حسن خان تا آخرین آنها بطور معمول سردسیر را در منصورآباد و باغشاهی و گرمسیر را در ده بالا می گذراندند. والی به همراه نزدیکان و مشاوران خود در عمله به سر می برد و شخصا ریاست عمله را برعهده داشت.

طوایف عمله از زبده ترین و جنگجوترین طوایف پشتکوه محسوب می شدند و والیان سپاهی از این طوایف به نام عمله تشکیل دادند که در همه حال در خدمت آنها بودند و تقریباً تمام امور اداری، اقتصادی و نظامی والیان به دست آنها اداره می شد. والیان نزدیک ترین کاغزاران خود را از میان آنها انتخاب میکردند. طوایف عمله وابسته به خود والی بودند و معیشت خود را از راه فعالیت های اداری، نظامی و پرداختن به امور املاک و سرپرستی احشام و گله های والی تامین می کردند. آنها برخلاف طوایف مستقل، از پرداخت مالیات معاف بودند، لیکن در عوض به انواع بیگاری برای والی و خوانین عمله می پرداختند. قدرت سیاسی والیان تاحدودی بستگی به نسجام نیروی نظامی عمله داشت. ازینرو آنها دست به سیاست عمله سازی از ایلات پشتکوه زدند و هرچند سال یکبار طوایفی از ایلات را وارد عمله می کردند.

ایل

ایل یک گروه منسجم جمعیتی می باشد که در یک قلمرو بهم پیوسته ی جغرافیایی با مرزهای طبیعی سکونت دارند. این مرزهای طبیعی مرزهای سیاسی نیز بشمار می آیند که از نظر عرفی مورد تایید همسایگان می باشد.

درباره ی عشایر پشتکوه به این نکته باید توجه داشت که غالباً منشا خویشاوندی دودمانی واحدی ندارند، بلکه اتحادیه هایی هستند از طوایف و تیره های مختلف که به دلیل سیاسی و اقتصادی تشکیل ایل واحدی داده اند. سرپرست ایل را توشمال می نامند. بنظر می رسد که واژه ی توشمال از دوران مغولان به بعد در میان عشایر پشتکوه و پیشکوه متداول گردیده است. هر ایل به چندین رده تقسیم می گردد که هر رده را طایفه ای مستقل به نام ویژه ای تشکیل می دهد. هر طایفه دارای سرپرستی است و جمع سرپرستان طایفه ها زیر نظر توشمال ایل انجام وظیفه می نمایند.

طایفه

در ایلات پشتکوه اولین رده پس از ایل را غالباً "طایفه" می نامند، همچنین بعضی از عشایر پشتکوه تنها ساختار یک طایفه را داشتند، و ایل محسوب نمی شدند. هر ایل دارای طوایف چندی است که در ایلات مختلف تعدادشان یکسان نیست. هر طایفه در محدوده ی جغرافیایی خود دارای استقلال درونی است و افراد طایفه تنها از سرپرست طایفه ی خود حرف شنوی دارند و بخاطر طایفه ی خود آماده اجرای هر دستوری می باشند.

طایفه واحدی اجتماعی- سیاسی است که لزوماً مبتنی بر نظام خویشاوندی واحد و نیای مشترک نیست. به عبارت دیگر هر طایفه می تواند براساس خویشاوندی پدرتباری بوده باشد یا با همبستگی و اتحاد سیاسی، نظامی و اجتماعی با گروههای هم نژاد شکل گیرد. سرپرست طایفه را کدخدا می نامند که در اصطلاح محلی به آن "کی خا" می گویند.

تیره

"تیره" در اصطلاح به اجتماع گروهی هم خویشاوند گفته می شود که به یک نیای مشترک حقیقی یا آرمانی وابسته اند و به نام او نامیده می شوند. اعضای تیره از یک همبستگی تاریخی، سیاسی و فرهنگی ایلی برخوردارند و معمولاً حق استفاده یا مالکیت مشاع در سردسیر و گرمسیر را نیز در اختیار دارند و اعضای آن در همه حال حافظ منافع آن است. در ایلات پشتکوه هر طایفه به چندین تیره تقسیم می گردد. تیره برای ایل یک واحد سیاسی و اداری طایفه است. ریاست تیره برعهده ی ریش سفیدی از اعضای همان تیره است.

مال

مال (خانوار): کوچکترین واحد اقتصادی و اجتماعی عشایر پشتکوه است که سرپرستی آن برعهده ی پدر یا بزرگتر "مال" است.

انطباق رده ها

پس از شناخت رده های ساختی اجتماعی باید به شناخت رده های ساختی قدرت پرداخت. چراکه این رده های قدرت نظام رده های اجتماعی سنتی را به گردش می آورند.

رده های قدرت در ایلات پشتکوه

رده های قدرت	رده های اجتماعی
والی	مجموع طوایف
توشمال	ایل
کدخدا	طایفه
ریش سفید	تیره
رئیس خانوار	مال

والی

در پشتکوه، والی بالاترین مقام حکومتی بود که حکم آن از طرف شاه تایید می شد و در مقابل او مؤظف بود به خواسته های حکومت مرکزی از قبیل جمع آوری و پرداخت مالیات سالیانه و فرستادن جنگجویان قلمرو خود به مرکز و یا هر محل دیگر که مورد نیاز حکومت مرکزی بود، اقدامات لازم را به عمل آورد. والی به معنی حاکم ایالت و استاندار می باشد همچنین به والی عنوان "امیرسرحد" نیز اطلاق می شد و وی شبیه مرزبان در ادوار گذشته بود. والی رئیس امور سیاسی و نظامی و مظهر وحدت و یکپارچگی ایلات و طوایف پشتکوه بود. او بر کلیه خان ها، توشمالان و سرپرستان رده های ایلی ریاست عالییه داشت. وی نماینده رسمی و حقوقی ایلات در برابر پیامدهای خارج از قلمرو پشتکوه نیز بود و به عنوان رابط خارجی و رابط بین ایلات پشتکوه و مقامات حکومت مرکزی و سرپرستان سایر ایالات بود. همچنین والی عالی ترین مرجع قضایی نیز محسوب می شد.

رده های مختلف ایلات پشتکوه سرپرستانی داشتند که رده های قدرت را تشکیل می دادند، این رده های مختلف قدرت عبارت بودند از:

توشمال

لغت توشمال، مغولی است و به معنی شخص مورد اعتماد و صاحب مقام می باشد. در پشتکوه رئیس و سرپرست ایل را توشمالی می نامیدند. در بین ایلات پشتکوه توشمال شدن موروثی بود و وظیفه ی توشمالی به پسر بزرگ او منتقل می شد.

مردم حق انتخاب و عزل توشمال هل را نداشتند ولی والی و خان های وابسته به او بنابر سیاست های ایلی می توانستند توشمالی را عزل و فرد دیگری را بجای او منصوب نمایند. منتهی فقط کسانی را می توانستند به آن منصب انتخاب کنند که از همان خاندان توشمال عزل شده باشند.

کدخدا

سرپرستی هریک از طوایف پشتکوه را کدخدایی به عهده داشت که سمتش موروثی بود. وظایف اصلی کدخدایان در دوره ی والیان سرپرستی و جمع آوری طایفه و انجام امور دیوانی یعنی گردآوری بموقع مالیات مربوط به طایفه خود بود. اینان در کار خود استقلال کامل داشتند و مورد تایید والیان، توشمالان و خوانین وابسته به والی قرار می گرفتند.

ریش سفید

طوایف پشتکوه دارای تیره های متعددی بودند. در راس هر تیره ریش سفیدی قرار داشت، اینان از بین افراد سالخورده ولی باتجربه و قابل احترام همان تیره انتخاب می شدند. زیرا سالخوردگان تیره های مختلف بخاطر شرکت در جنگ های گذشته، بروز دلاوری ها و حادثه آفرینی ها تجربه های فراوانی اندوخته که برای ایل افتخارآفرین بود. ریش سفیدان، ناظر بر اعمال کلیه خانوارهای تابعه ی سرپرستی خود بودند و درمورد لزوم به حل اختلافات مبادرت می نمودند و گره گشای پیامدهای زندگی آنها نیز بودند.

عامل (ناظر)

ناظرهای ایالت پشتکوه از خان های عمله انتخاب می شدند تا بر امور مالیاتی ایلات نظارت داشته باشند. اینان زیر نظر والی مامور جمع آوری و وصول مالیات از توشمالان بودند و در این مورد مستقیماً با توشمالان در تماس بودند. زیرا توشمالان مالیات لازم را به وسیله ی کدخدایان جمع آوری و سهم والی را پرداخت می کردند.

ترکیب نژادی جمعیت پشتکوه

پشتکوه در طول تاریخ بسیار کهن خود، اقوام گوناگونی به خود دیده است. این منطقه یکی از قدیمی ترین سکونت گاه های بشر محسوب می شود. کاسی ها، لولویی ها و عیلامیان از اقوام کهن این منطقه می باشند که هرکدام مدتی در این سرزمین زیسته اند. با ورود آریایی ها به ایران و تشکیل حکومت های آریایی نژاد پشتکوه، به تصرف آنان درآمد و بتدریج اقوام مهاجر

آریایی در این منطقه مسکن گزیدند. بزرگترین و خالص ترین نژاد پشتکوه، ایلات و عشایر "کرد" می باشند. کردهای پشتکوه از نظر لهجه به دو گروه عمدی، مهکی و کرد تقسیم می شوند. ایلات و طوایف مهکی در مناطق شمالی و طوایف کرد در مناطق جنوبی پشتکوه ساکن می باشند. از آنجا که پشتکوه از اواخر قرن ششم تا سال 1307 ه.ش به مدت بیش از هفت قرن در تحت حاکمیت حاکمان لرستان قرار داشت، آن را جزئی از سرزمین لر کوچک بشمار می آورند، لذا این امر سبب گردید که بسیاری از مورخین در این دوره از ساکنان پشتکوه به عنوان لر یا لر فیلی یاد کنند. کردهای پشتکوه با لهجه کردی فیلی تکلم می نمایند و این لهجه براساس دسته بندی گویش های زبان کردی جزء گویش کردی جنوبی است و این گویش شامل لهجه های کلهری، فیلی و لکی می باشد.

از جمله ایلات و عشایر دیگر پشتکوه که از طوایف اصلی آنجا بشمار می آیند، طوایف لر هستند. بعضی از این طوایف مانند دهلرانی، شوهانی و کایدخورده از زمانهای قدیم در پشتکوه اقامت داشته اند. لیکن بعضی دیگر مانند طایفه ی رشنو و حیدری در اوایل دوره ی قاجار به همراه حسن خان والی از پیشکوه لرستان به پشتکوه مهاجرت می کنند. طوایف لر بیشتر در مناطق جنوبی پشتکوه ساکن هستند و در دوره ی والیان پشتکوه بخش زیادی از عمله ی والی را تشکیل می دادند.

از اقوام دیگر ساکن در پشتکوه، طوایف عرب می باشند. بعضی از این طوایف مانند ملخطوای و اعراب رودبار در دوره ی والیان فیلی در پشتکوه ساکن بودند، اما طوایف عربی که هم اکنون در مناطق مرزی دهلران و دشت عباس ساکن هستند در دوره ی والیان تابعیت عثمانی داشتند و با پرداخت حق چرا به والی پشتکوه مدتی از سال را در آن مناطق می گذراندند. آنها بعد از انقراض حکمرانی والیان در دوره رضاشاه در آن مناطق ساکن شدند و تابعیت ایران را پذیرفتند.

ایلات پشتکوه

ایلات و عشایر کرد فیلی مانند دیگر ایلات به گروه ها و طوایف و تیره های متعددی تقسیم می شوند که در منطقه ی پشتکوه و مناطقی از کشور عراق پراکنده اند.

رده بندی و جمعیت طوایف پشتکوه (1275 ه.ق)

منطقه	طوایف	شعب فرعی	خانوارهای طایفه	خانوار رده	قلمرو تابستانی	قلمرو زمستانی	حدود ارزیابی رده
پشتکوه	مهکی	ارکوازی زراندوشی خزل	5,000	10,000	کوه های شمال غربی کبیر	دشت های دامنه کوههای	15,000 تومان مالیات سالانه

	قلمرو تابستانی	کوه و گاهی اوقات نزدیک خرم آباد			بدره ای بالی ده بالایی گمار مال کتابی میشخاص علی بیگی و...	شوهان پنج ستون دیناروند لارت هاندمنی	
				400			
				200			
				200			
				150			
				150			

رده بندی و جمعیت طوایف پشتکوه (1257 ه.ق)

منطقه	طوایف	شعب فرعی	خانوارهای طایفه	خانوار رده	قلمرو تابستانی	قلمرو زمستانی	حدود ارزیابی رده
پشتکوه	کرد	زرگوش ماسپی ماموس باپیروند قطب الدین نوروزوند ابراهیم حسین احمد جشنی گرگی مفروند دشتی یوسف وند	4/000		کبیر کوه گاهی هم سیمه	آبدانو دهلران تپه ماهورهای دامنه ی کبیر کوه	

					لطیف وند خلیل ابراهیم ناصرعالی قوالو بدوی چم کبود مملکی میماهی شهریاروند دوستعلی وند دره بلوط بالدوی باتولی هاوری سندالی مرادعلی وند حیدروند بازگیر خریزانی حاج علی نوکر عمران آبدانان بیات		
--	--	--	--	--	---	--	--

ایل کرد

پشتکوه در دوره ی والیان به دو صفحه ی کرد و مهکی تقسیم می شد. صفحه ی کرد، شامل مناطق دهلران، موسیان، مورموری، آبدانان، زرین آباد، میمه و مناطق جنوبی مهران می شد و صفحه ی مهکی مناطق ارکوازی، صالح آباد، بدره، ایلام، چوار و مناطق شمالی مهران را در بر می رفت. مهم ترین ایلات و طوایف صفحه ی مهکی عبارتند از: ایل ملکشاهی، خزل، ارکوازی، علی شیروان و پنج ستونی.

ایل کرد، کایدخورده، طایفه ی شوهران و طایفه ی دیناروند در صفحه ی کرد به سر می برند و در دوره ی والیان از آنها به عنوان قلم کرد علی خانی یاد شده است. ایل کرد بزرگترین و پرجمعیت ترین ایل ساکن پشتکوه می باشد که به آن کردلی (کردعلی) نیز می گویند. این ایل تا قبل از سال 1308 ش در مناطق میمه، زرین آباد و مناطق شمالی دهلران و آبدانان به

سر می بردند. در این سال توشمالان ایل کرد به دستور دولت پهلوی یک سوم جمعیت این ایل را به مناطق جنوبی آبدانان کوچ دادند. کردها از زمانهای بسیار قدیم در پشتکوه ساکن بوده اند و از بومیان اصلی آنجا می باشند. در تمام مناطق کردنشین تنها ایلی که به صراحت از آن به عنوان کرد یاد می شود، ایل کرد ساکن پشتکوه می باشد و به منطقه ی پراکندگی این ایل "صفحه ی کرد" گفته می شد. منطقه پراکندی ایل کرد یک منطقه ی مرزی است که همیشه در معرض هجوم قوای عثمانی و اعراب غارتگر قرار داشت.

ایل کرد با گویش کردی پشتکوهی (پهله ای) که یکی از لهجه های کردی فیلی است، تکلم می کنند و مذهب آنها شیعه ی دوازده امامی می باشد.

چندین تقسیم بندی در این ایل وجود دارد. از نظر موقعیت جغرافیایی پراکندگی به طوایفی که در مناطق صعب العبور کوهستانی زندگی می کنند "کل کوه" و به طوایفی که در مناطق هموار به سر می برند "کره پاه" می گویند.

مجموعه طوایف کل کوه عبارتند از:

ماسپی، زرگوش، میمه ای، مموس و بازگیر.

طایفه ماسپی

از مجموعه طوایف کل کوه و در مناطق کله کراز، انجیره، گرازان و تیشه کنه ساکن می باشند. این طایفه از بومیان اصلی پشتکوه هستند و از زمان های دور در آن منطقه ساکن بوده اند. در زمان سروری آریایی ها منطقه ی پشتکوه(ایلام) به تصرف آنان در آمد. ظاهراً اولین گروهی از آریایی ها که بدان سرزمین وارد شدند، ماسپی ها بودند که از طوایف ده نشین پارسی بودند. آنها از آن زمان از منطقه ی انشان به منطقه ی پشتکوه وارد شدند و کم کم نام خود را به این منطقه دادند و منطقه ی پشتکوه (ایلام) تا قرن ششم به نام ماسبذان خوانده می شد.

هم زمان با اسکان عشایر در پشتکوه این طایفه در قریه های تیشه کن، کله گراز، گرازان بالا و پایین اسکان یافتند ولی پس از چندسال دوباره به زندگی کوچ نشینی روی آوردند. در سالهای اخیر، اکثر اعضای این طایفه به مراکز شهری مهاجرت کرده اند و در شهرهای آبدانان، دهلران، ایلام، اهواز و اندیمشک ساکن هستند. همچنین تعدادی خانوار این طایفه در روستای انجیره سکونت دارند.

در دوره ی والیان افراد زیادی از این طایفه به کشور عراق مهاجرت می نمایند و در آنجا ساکن می شوند. از بین آنها افراد لایق و قدرتمندی برخاسته اند که از معروفترین این افراد می توان به سلیمان ماسپی اشاره کرد که مدافع جدی حقوق کردهای

فیلی در عراق بود. حاج رستم رفعتی اولین نماینده استان ایلام در مجلس از این طایفه بود، بسیاری از اختلافات طایفه ای به وساطت ایشان حل و فصل شده اند.

طایفه مموس

طایفه ی مموس از چهار تیره ی مال فرخی، مال میه، سیره و یخی وند تشکیل شده است. در سال 1313 با اسکان عشایر در پشتکوه هرکدام از تیره های این طایفه در مناطق خودشان اسکان گزیدند. تیره ی مال فرخی در قریه های تاسیلکان بالا و پایین، تیره ی مال میه در روستای دهینه، تیره ی سیره در قریه ی سیاه دول و تیره ی یخی وند در قریه ی دستوار اسکان یافتند. در سالهای اخیر به دنبال اجرای طرح تجمیع روستاها در شهرستان دهلران افراد هر سه روستا در شهرکی در نزدیکی دهلران ساکن شده اند. در سال 1308 تعدادی خانوار از این طایفه به آبدانان کوچ داده شدند.

طایفه زرگوش

از طوایف اصیل و قدیمی ایل کرد و از مجموعه طوایف کل کوه به شمار می آید. بدنبال طرح اسکان عشایر تیره های این طایفه در مناطق خودشان اسکان یافتند. تیره ی آدینه وند در قریه ی یخی، تیره های آدینه تاجدین، هوتان، خدر و عالی ابوالفتح در قریه ی سیاخانی، تیره ی بیژاوند در قریه شیلاب، تیره های بی بی و سی سر در قریه آردو، گولی خورده در قریه قدح پایین، تیره های حیدروند، مرتاوند، صالح وند و بلقا در قریه گنداب، تیره درویش منصور ابوالحسن در قریه قدح بالا، تیره های گاولی و بیدرجو در روستای گل گل ساکن شدند.

طایفه میمه ای

از طوایف ایل کرد و از مجموعه طوایف کل کوه می باشد. این طایفه در شهر کوچک میمه ساکن هستند و میمه منطقه ای خوش آب و هوا و زیباست و در دوره ی والیان از مناطق مورد علاقه ی آنان بود. طایفه ی میمه ای از چهار تیره ی هواس، ملیک، آدینه و قوای تشکیل شده است و از یک تبار مشترک نیستند.

طایفه بازگیر

بازگیر طایفه پراکنده ای می باشند و در استان های لرستان، کرمانشاه و ایلام به سر می برند. بر اساس روایات ریش سفیدان معتمد این طایفه، نیاکانشان در زمانی بسیار دور از کرمانشاه و غرب ایران به دلایل نامعلومی به لرستان مهاجرت می نمایند. افراد طایفه بازگیر ساکن آبدانان خود را فرزندان دو برادر به نامهای طاهر و ظاهر می دانند و ادعا دارند که از چندین

نسل پیش از سرزمین طاف در جنوب شرقی خرم آباد از بازگیرهای بالا گریوه جدا شده و به این دیار کوچ کرده اند. این طایفه در سال 1313 در روستای تختان اسکان می یابند.

تقسیم بندی دیگری که در بین ایل کرد وجود دارد، تقسیم بر اساس چگونگی قرار گرفتن هر طایفه در بین مجموعه طوایف ایل کرد است. بر این اساس هر طایفه به یکی از چهار مجموعه طوایف جایروند، مه میه وند، وابسته و مستقل تعلق می گیرد.

مجموعه طوایف مستقل عبارتند از: باپیروند، جابری، سلاورزی، دوستعلی وند و ناصرعالی

طوایف وابسته عبارتند از: مفروند، گاکله، منالوند، پیرانی، کولیوند، دشتی، نوکرپیر، ایسوند، گلال زیری، بالوی، هیوری، گرگی، احمدجشنی، شهریاروند، مال ملایی، قطبین، گل گلی، گوران، مموس مزیه، برامسین، کاکعلی، جوقلی، پاپی، نوروزوند، جودکی، سادات صلاح الدین محمد، سادات ابراهیم قتال، سادات فخرالدین، سادات ناصرالدین، سادات سید ابراهیم و طایفه شیخ های جابری.

ایل کایدخرده

از ایلات لر ساکن دهلران و بخش مورموری می باشند. این ایل در دوره ی والیان در مناطق چم کبود، ژبور و ماهوته در جنوب شهر آبدانان ساکن بودند و به طور معمول در اواخر دوره ی والیان برخی از تیره های این ایل فصل قشلاق را در دشت دهلران می گذراندند. ایل کایدخرده در جریان بیرون راندن طوایف یاغی بیرانوند از جنوب آبدانان به همراه ایل کرد قوای حکومت مرکزی را یاری دادند و به واسطه ی این همکاری طوایف این ایل پس از بیرون رانده شدن طوایف یاغی از جنوب آبدانان به درخواست رؤسای این ایل در مناطق دهلران و مورموری ساکن شدند. آنها در این مناطق با غارتگری های عشایر عرب مرزی مواجه شدند و چندین زدوخورد بین آنها صورت گرفت. در زمان سروان شاملو، بخشدار دهلران، عشایر کایدخرده و کرد برای دفاع از مناطق مرزی دهلران همکاری نزدیکی با او نمودند. عزیز تاجمیر از رؤسای ایل کایدخرده با متحد نمودن تیره های کایدخرده ی کلات مورموری نقش مؤثری در جلوگیری از غارتگری های عشایر عرب مرزی داشت. وی با ایجاد همبستگی بین تیره های کایدخرده و تیره هایی از طوایف ایل کرد ساکن مورموری محیط امنی را برای ساکنان آنجا فراهم آورد.

طوایف این ایل عبارتند از:

داود، چراغ، لته، فرض عالی، ابراهیم (اورام و برایم)، درگاه، رشنو، بنریزی، سیرو و رحمت الله.

رؤسای این ایل از تیره ی چراغ بودند که وظیفه ی حفظ نظم، جمع آوری و پرداخت مالیات سالانه به والی را به عهده داشتند. برخلاف دیگر ایلات پشتکوه به رؤسای این ایل کاید گفته می شد. بنا به گفته ریش سفیدان ایل کایدخرده، دوبار این ایل به علت خودداری از پرداخت مالیات، توسط والیان پشتکوه غارت شدند. در دوره ی والیگری غلام رضاخان افراد این ایل که از سنگینی مالیات به تنگ آمده بودند، علیه مامورین مالیاتی والی قیام نمودند و یکی از کاکاها را بنام کاکارضا به قتل رساندند، بخاطر همین مسئله تعدادی از رؤسای این ایل توسط والی به مدت چهارسال زندانی شدند که به وساطت توشمالان ایل کرد آزاد شدند.

طایفه کاووسی

از طوایف لر ساکن موسیان و دهلران می باشند. طایفه ی کاووسی در اصل یکی از تیره های ایل کایدخرده می باشد که در گذشته به واسطه ی اختلاف و نزاعی که بوجود می آید، برخی رؤسای کاووسی به دستور والی دستگیر و در خرم آباد حبس می شوند. پس از مدتی این رؤسا به وساطت و شفاعت بزرگ طلیفه ی دیناروند آزاد می شوند و به محل زندگی خود برمیگردند و از آن زمان به بعد هم جرش طایفه ی دیناروند می شوند و در کنار آنها زندگی می نمایند. طایفه کاووسی از تیره های الیاس، پاپاواس، رحمه، نصیری، شهباز و میرزا تشکیل شده است.

طایفه دیناروند

طایفه دیناروند در گذشته طایفه ای بزرگ و قدرتمند بوده که از هفت تیره بزرگ تشکیل شده بود. آنها مالک قسمت وسیعی از زمین های موسیان، دینارکوه و جنوب آبدانان بودند بطوریکه برای مدتی ایل بیرانوند که برای چرای دام هایشان به جنوب آبدانان می آمدند از آنها اجازه می گرفتند. این طایفه در دوره ی والیان در مناطق پتک، موسیان و کوه های دینارکوه و دالپری بیلاق و قشلاق می کردند. به نظر می رسد بخاطر سکونت آنها در کوه دینارکوه به آنها دیناروند اطلاق شده است. افراد زیادی از این طایفه به کشور عراق مهاجرت کرده اند و اکثر آنها در شهر عماره ساکن هستند. همچنین تعدادی خانوار از این طایفه در شهر شوش و پلدختر ساکن می باشند.

طایفه ی دیناروند از تیره های سرگچی، حسن غلام علی، قماور، هشاور، روغنی، طالوک، قاید، پیشکار، غیاسوند، کیاوند، شمشیروند، ولی اشرف و کرد مموس تشکیل شده است.

طایفه ی میرهای بیات و دهلران

میرهای دهلرانی از ساکنان اصلی و قدیمی دهلران می باشند. آنها از نسل اتابکان خورشیدی هستند که بیش از چهار قرن، از اواخر قرن ششم تا سال 1006 ق در لرستان و ایلام حکومت نمودند. بعد از انقراض سلسله اتابکان لر کوچک قسمتی از طایفه میر در دهلران و بیات به زندگی خود ادامه دادند. در دوره ی والیان از میرهای ساکن بیات و دهلران به نام طایفه بیات یاد می شود و از طوایف مستقل ایل کرد محسوب می شدند. درگذشته به علل مختلفی بسیاری از افراد این طایفه به کشور عراق مهاجرت نموده اند و باقیمانده آنها بعد از ساکن شدن ایل کایدخرده در دهلران هم جرش آنها گردیدند. طایفه بیات از تیره های دهلرانی، غالبی و بیاتی تشکیل شده است.

دهلران

دهلران در گذشته منطقه ای آباد بوده است و بنا به روایات ریش سفیدان از شهرهای دهلران تا منطقه ی بیات سراسر پوشیده از باغ و درخت بوده است. دهلران و بیات در دوران والیگری حسن خان آباد و مسکون بوده اند. او بارها هجوم اعراب مرزی را به پشتکوه دفع کرد. در دوره ی والیگری فرزندش علی خان بر صفحه کرد به واسطه ی اختلافات و کشمکش هایی که بین او و برادرش احمدخان و حیدرخان حاکمان صفحه مهکی بوجود آمد، نتوانست بطور مؤثری از مناطق مرزی بیات و دهلران درمقابل تجاوزات اعراب مرزی دفاع کند و همین امر موجب شد که بسیاری از ساکنان بومی آن به عراق و مناطق کوهستانی پشتکوه بروند و اعراب جای آنها را بگیرند.

طبق گزارش کنسول مندلی، دشت دهلران، پتک، موسیان و اشرف آباد در دوره ی والیان جز اراضی خالصه بوده اند و در سال 1312 ش بدنبال تقسیم زمین های خالصه ی پشتکوه بین ایلات و عشایر آنجا، اراضی دشت دهلران بین خانوارهای ایل کایدخرده و خانوارهایی از ایل کرد تقسیم گردید. بدنبال اجرای طرح اسکان عشایر در پشتکوه ایل کایدخرده و خانوارهایی از ایل کرد در شهر کنونی دهلران اسکان می یابند. دهلران در سال 1316 ش به عنوان یک بخش از شهرهای ایلام محسوب می شد و سروان شاملو بخشدار آنجا بود.

فصل پنجم

اوضاع اقتصادی پشتکوه

اقتصاد و شیوه معیشت

پایه ی فعالیت عمده اقتصادی و شیوه ی معیشت ایلات و عشایر پشتکوه بر پرورش دام استوار بود. دوام دامداری سنتی مستلزم کوچ مستمر بود که وجود دو نوع شرایط جغرافیایی و اقلیمی متفاوت در پشتکوه، یکی وجود کوهستانهای بلند و طویل زاگرس و دیگری وجود دشتهای وسیع و هموار با مراتع مرغوب و فراوان زمینه ی مناسبی برای رشد و گسترش این شیوه ی زندگی فراهم آورده بود. بطور کلی عشایر پشتکوه، گرمسیر را در کوهستانهای کبیرکوه و سردسیر را در دشتهای دهلران و مهران می گذراندند. مردم پشتکوه برای تامین معاش خود، علاوه بر دامداری به کشاورزی نیز می پرداختند. منتهی از آنجا که فعالیت عمده ی آنها متوجه پرورش دام بود، در بخش کشاورزی فعالیت ناچیزی تنها برای تامین نیاز خانواده انجام می دادند. برای این منظور آنها زمین های محدودی در مناطق سردسیر و گرمسیر خود در فصل پاییز به زیر کشت غلات می بردند و کار زیادی روی آن انجام نمی دادند، بلکه زمین را با ابزار و وسایل سنتی می کاشتند و در فصل بهار محصول را برداشت می کردند.

نقش کوچ در اقتصاد پشتکوه

کوچ و جابجایی که تلاشی است برای دسترسی به مراتع و چراگاههای بیشتر، نشان می دهد که گله های گوسفند و بز نقش عمده ای در اقتصاد شبانی ایفا می کند. از این رهگذر نه تنها غذای دامداران تامین می گردد، بلکه با فروش دام ، پشم و بعضی از فراورده های دیگر به مردم شهری و ده نشین، اقتصاد آنها سروسامان می گیرد. وجود مراتع وسیع و مرغوب در مناطق سردسیر و گرمسیر پشتکوه از یکسو و عدم وجود امکانات لازم برای تامین نیازهای گله ها در مکان های ثابت از سوی دیگر باعث شده بود که گله داران برای سلامتی احشام خود دست به کوچ بزنند. گله های گوسفند و بز مهمترین سرمایه ی مردم بود که برای حفظ و نگهداری آنها نهایت تلاش را می نمودند.

فراورده های دامی در پشتکوه عبارتند از: شیر، پنیر، دوغ، ماست، کره، پشم، چرم، روغن، موی بز برای بافتن سیاه چادر و رسن (طناب) و خورجین. پشم گوسفند که دامداران مقدار زیادی از آن در شهرهای عراق به فروش می رساندند. همچنین مقداری از این پشم ها را برای بافت نمد و فرجی به مصرف نمدمالان محلی می رسید.

فراورده های لبنی، عمدتاً توسط خود اهالی پشتکوه به مصرف می رسید و مازاد مواد لبنی و دیگر فراورده ها نظیر پشم، پوست، کتیرا و انواع دام و چهارپایان همچون اسب و قاطر را در شهرهای عراق به فروش می رساندند و یا به خریداران عراقی که به میانشان می آمدند، می فروختند درمقابل مایحتاج ضروری خود را از قبیل قند، چای، پارچه و انواع وسایل فلزی را خریداری می کردند.

دادوستد مردم پشتکوه در دوره ی والیان منحصرأ شهرهای عراق بود و به ندرت پیش می آمد که اهالی برای تامین نیازهایشان به شهرهای هم جوار خود در ایران مسافرت کنند. آنها همواره نظرشان به خاک عراق بود. رفت و آمد و کار و تجارت آنها منحصرأ با عراق بوده و هیچ گاه از کوه های شمالی و شرقی قدم به داخل کشور خودشان نمی گذاشتند. دادو ستد مردم پشتکوه تا سال 1307 ش که آنجا توسط نیروهای دولتی فتح گردید، همچنان با عراق بود و پس از آن به تریج بنای دادو ستد با شهرهای همجوار خود در ایران گذاشتند.

کشاورزی

از آنجا که فعالیت اصلی اقتصادی ایلات و عشایر پشتکوه مبنی بر دامداری و شبنی بود، کمتر به کار کشاورزی می پرداختند، ولی با این حال والیان پشتکوه اقداماتی برای توسعه کشاورزی در مناطق بیلاقی و قشلاقی خود به عمل آوردند.

اراضی صیفی و ملخطای در اطراف رودخانه ی کنجان چم و اراضی باغ شاهی و اطراف رودخانه ی چنگوله از مناطق مهم کشاورزی بودند. برای استفاده از آب رودخانه ی کنجان چم، چند رشته قنات و چندین نهر احداث گردید که مهمترین آنها نهر جوب چفت و زرین جوب بودند. همچنین برای آبیاری اراضی کشاورزی در اطراف رودخانه ی چنگوله نیز چندین نهر احداث شده بود که عبارت بودند از: 1- نهر حسن آباد که طایفه ی کاوری و شوهان از آن استفاده می کردند. 2- نهر برع که متعلق به توشمالان شوهان بود. 3- نهر گنجه که به رؤسای باغ شاهی تعلق داشت. در دشت دهلران در دوره ی والیان پشتکوه با وجود دو رود میمه و دویرج به خاطر بی توجهی والیان و بی علاقهی عشایر کوچ نشین، کشاورزی چندان صورت نمی گرفت و از دشت آنجا برای چرای احشام استفاده می شد.

مهمترین محصولات زراعی کاشته شده گندم، جو و ذرت بود و برنج در حسینیه، چرداول و نقاط دیگری از پشتکوه کشت می شد. برداشت محصول در نقاط مختلف پشتکوه هم زمان انجام نمی شد. برداشت محصول در نقاط گرمسیری پشتکوه، اردیبهشت ماه و در مناطق سردسیر، خردادماه انجام می گرفت. والی در هر سال در فصل بهار برای هر یک از ایلات، یک منشی معین و اعزام می کرد که با کمک معمرین محل مالیات زمین های آبی و دیم را محاسبه و اخذ می نمود.

سوابق کوچندگی

ایالات کوچنده ی پشتکوه اغلب ایالات مستقل و کهنی می باشند که گاه به مناسبت های تاریخی جابجا شده اند. اطلاعات تاریخی کوچندگی منطقه به اواخر قرن ششم ه.ق می رسد زیرا در این زمان " اتابک شجاع الدین خورشید" اولین اتابک لرستان تابستان ها را در منطقه ی کوهستانی و سردسیر پاپی و زمستان را در منطقه ی جلگه ای و گرمسیری "دهلران" به سر می برده است.

به نظر می رسد رواج گسترده ی زندگی کوچ نشینی در پشتکوه از قرن چهارم به بعد شکل گرفته است. زیرا تا آن زمان شهرهای پر رونقی مانند سیمره و سیروان به حیات خود ادامه می دادند، لیکن در سال 334 ه.ق / 945 م زلزله ی بزرگی در منطقه رخ داد و کلیه ی شهرها و دهکده ها را از بین برد و شیوه ی زندگی یکجانشینی جای خود را به زندگی کوچ نشینی داد.

اماکن سکونتی

در دوره ی والیان رده های مختلف عشایری پشتکوه در دره های مختلف کبیرکوه بخصوص در اطراف ایلام به سر می بردند. جایگاه سکونتی آنها "سیاه چادر" بود که به خاطر جابجایی های دائمی عشایر کوچنده، سرپناه مناسبی به شمار می رفت و در جابجایی آن سرعت و سهولت در کار بود. ایلات و عشایر پشتکوه در سراسر دوران والیان در کوه ها و دشت های آنجا ییلاق و قشلاق می کردند و در سیاه چادر به سر می بردند. اماکن مسکونی ثابت در پشتکوه فقط متعلق به والیان بود. آنها چه در مناطق سردسیر و چه گرمسیر عماراتی ساخته بودند. با وجود آنکه والیان اقدام به ساختن عمارت هایی برای سکونت خود کردند اما همچنان جایگاه سکونتی مردم سیاه چادر بود که در اصطلاح محلی به آن "دوار" می گفتند.

والیان مخالف یکجانشین شدن عشایر کوچنده ی پشتکوه بودند، زیرا این امر را باعث تضعیف سلطه ی خود می دانستند. علاوه بر این از آنجا که منطقه ی پشتکوه دائما در معرض هجوم نیروهای عثمانی و اعراب عراق قرار داشت، مردم علاقه ای به ایجاد اماکن مسکونی ثابت و تشکیل روستا و شهر نداشتند. مردم پشتکوه تا سال 1312 ه.ش که سیاست اسکان عشایر در این منطقه اجرا شد همچنان به زندگی کوچ نشینی خود ادامه دادند. در این سال عشایر کوچنده ی پشتکوه اقدام به ساختن خانه هایی در کنار هم کردند و بتدریج روستا و شهر تشکیل دادند.

نظام جمع آوری مالیات

والیان برای پرداخت مالیات سالیانه به حکومت مرکزی و تامین هزینه دربار و سربازانشان سالیانه مالیات هایی را از ایلات و عشایر تحت امرشان اخذ می کردند. شیوه ی جمع آوری مالیات بدین گونه بود که حکومت مرکزی مقدار مالیات هر سال را قبلاً به اطلاع والیان می رساند. در زمان والیان، مقدار مالیات منطقه برحسب قاطر تعیین می شد. ضریب مالیاتی هر قاطر را هر سال به اطلاع والیان می رسانیدند و والیان بر اساسی که خود مبتکر آن بودند به جمع آوری مالیات قلمرو خود می پرداختند. آنها مالیات ها را به عوامل خود به اجاره می دادند. هر یک از رده های بزرگ ایلی مقدار مالیاتی را که عوامل والی به آنها ابلاغ می کردند، جمع آوری و به آنها تحویل می دادند.

بطور کلی در پشتکوه مالیات هر طایفه و یا هر محل را بین خانوارها با توجه به بضاعت مالی آنها سرشکن می کردند و برای اخذ آن خانوارها را به سه دسته تقسیم می نمودند:

1- سرمال: یعنی خانواده های ثروتمندی که بایستی سالیانه مالیاتی بین 40 تا 70 تومان پرداخت کنند.

2- بنه مال: خانواده های متوسط الحالی بودند که سالیانه مالیاتی بین 10 تا 40 تومان پرداخت می کردند.

3- پامال: یعنی خانواده های مستضعف و فقیری که مالیات دریافتی از آنها بین 4 تا 10 تومان بود.

مالیات کمتر از 4 تومان وجود نداشت. معمولاً گرفتن مالیات با ظلم و ستم و تعدی صورت می گرفت. این مقدار مالیات جز در موارد استثنایی قابل عفو و بخشش نبود و کسانی که توانایی پرداخت مالیات را نداشتند، حتی اموال بی ارزش آنها چون تخته دوار، گلیم، زیرانداز و... توسط مامورین مالیاتی تصرف می شد.

درآمد والیان

والیان، قلمرو و حکمرانی خویش را از طریق سپاه محافظت می کردند و سپاه نیز به سهم خویش فقط به وسیله ی دراد منظمی نگاهداری می شد. چنین کاری تنها با داشتن اقتصادی موفق میسر بود و اقتصاد موفق نیز از تبعه ی فعال و راضی فراهم می شد و این امر نیز تنها در سایه ی امنیت تحصیل می شد. والیان با اتکا به ارتش خویش به دفاع از مرزهای پشتکوه پرداختند و با دفع حملات مکرر عثمانی ها، اعراب عراق و دیگر دشمنان، مانع از تجاوز آنها به ایلات و عشایر تحت امرشان شدند و از این طریق امنیت نسبی برای رعایای قلمروشان ایجاد کردند که به راحتی بتوانند کار و فعالیت نمایند و آنها این امنیت نسبی را برای بهره کشی هرچه بیشتر رعایای پشتکوه برقرار کرده بودند. والیان علاوه بر تامین هزینه های دستگاه گسترده ی خود وظیفه داشتند همه ساله مالیاتی را که حکومت مرکزی تعهد کرده بودند، بپردازند از این رو به هنگام نیاز، به

عناوین مختلف به جمع آوری مالیات، پیشکشی، سورشات، عیدی و... از سکنه می پرداختند که عمده ترین آنها به شرح زیر است:

مالیات رعیتی

مالیات رعیتی، مالیاتی بود که والیان از ایالات و عشایر پشتکوه دریافت می کردند. مهمترین منبع درآمد والیان از عایداتی بود که به عناوین مختلف از رعایای قلمروشان می گرفتند.

مال شماری

در اصطلاح عشایر پشتکوه هر خانوار را یک "مال" می نامند. مالیات گیرندگان در هر سال برای جمع آوری مالیات کم و کیف اقتصاد خانوار را سنجیده و مبلغی را در نظر می گرفتند.

شاخ شماری

همه ایلات و طوایف پشتکوه دامدار بودند، و برای محاسبه و اخذ مالیات آنها از روش شاخ شماری استفاده می شد. شیوه ی وصول آن بدین شکل بود که هرگاه والی، خان ها و توشمال های طوایف محلی نیاز به پول داشتند، نسبت به شمارش تعداد دام خانوار اقدام و براساس کمیت آن مالیات دریافت می داشتند.

تش شماری

"تش" برگرفته از آتش می باشد. تش شماری در تمام نواحی پشتکوه رواج داشت و به آن مالیات اجاق نیز می گفتند. در گذشته هیزم مهم ترین سوختی بود که مردم پشتکوه از آن برای روشنایی، پخت غذا و دیگر مصارف استفاده می کردند. از آنجا که جنگل ها خالصه ی والی محسوب می شدند، بنابر رسم، هر خانواده ای بابت روشن کردن اجاق مالیات می پرداختند.

پیشکشی

معمولا به هنگام پیامدهایی از قبیل جشن ها و عزاداری ها رعایا بایستی پیشکشی بپردازند. یکی از این پیشکشی ها پولی بود که توشمال ها و خان های رده بالای ایل یکی دو بار در هر سال برای رضایت والی جمع آوری و برای او می بردند و در ضیافتی که والی بدین منظور برپا می کرد، شرکت کرده و پیشکش ها را به والی اهدا می کردند.

عیدی دادن

عیدی دادن، شیوه ای از پرداخت مالیات بود که در دوره ی والیان در منطقه وجود داشت. در پشتکوه رسم براین بود که به هنگام عید نوروز رعایای تابع به دیدن و دست بوسی کدخدایان، توشمال ها، خان های رده های مختلف منطقه بخصوص شخص والی می رفتند. اینان وظیفه داشتند نسبت به مقام و موقعیت خود، دام، پول نقد، فرش و یا هر چیزی دیگر را به عنوان عیدی تقدیم دارند.

مالیات تیولی

مالیات تیولی، مالیاتی بود که والی در ازای دادن قطعه زمینی به پاره ای اشخاص به عنوان تیول، مالیات سالیانه ای را از آنان دریافت می نمود. والی در سراسر پشتکوه و نواحی مرزی داخل خاک عراق دارای تیول فراوان بود. این نوع مالیات در محل به " حق تیولی " معروف بود که از تیول داران اخذ می گردید. مالیاتی که بدین شیوه دریافت می شد حداقل نیمی از آن به مامور جمع آوری کننده ی مالیات تعلق می گرفت زیرا این مامور حقوقی از والی دریافت نمی کرد.

مالیات اراضی خالصه: یکی از مهمترین منابع درآمد والیان اجاره دادن اراضی خالصه بود. والیان در سراسر پشتکوه دارای اراضی خالصه ی وسیعی بودند که آنها را در ازای مبلغ معینی به افراد سرشناس و بانفوذ به اجاره می دادند.

مالیات " حق المرتع " یا حق علف چر

وجود مراتع گرمسیری وسیع در پشتکوه شرایط مناسبی برای کوچ دیگر ایالات غیر از ایلات بومی به منطقه ی پشتکوه فراهم کرده بود به گونه ای که همه ساله در زمان معینی در پاییز، عشایر کوچنده قبیله بنی لام، کرد زنگنه، طوایفی از ایل کلهر و دستجات دیگری به مناطق گرمسیری پشتکوه می آمدند و برای استقرار و چرای گرمسیری مالیاتی به نماینده ی والی می دادند که آن را حق المرتع می نامیدند. میزان این مالیات بستگی به تعداد دام و مدت چرای دام در منطقه داشت. شیوه ی محاسبه و وصول این نوع مالیات اینگونه بود که در ازای چرای هر راس دام یک قران مالیات دریافت می کردند.

نتیجه گیری

والیان فیلی در سال 1006 ق. به دستور شاه عباس بر سریر فرمانروایی لرستان قرار گرفتند. آنها از زمان به قدرت رسیدن تا عصر آقا محمدخان قاجار بر سراسر لرستان پیشکوه و پشتکوه حکمرانی می کردند. در این دوره مفر حکمرانی شان در قلعه ی فلک الافلاک خرم آباد قرار داشت و هسته ی اصلی نیروهای آنها از ایلات و عشایر پیشکوه تشکیل می شد که پرجمعیت تر و آبادتر از پشتکوه بود.

حسن خان، والی لرستان، که در زمان او قلمرو والیان فیلی محدود به پشتکوه گردید، ناگزیر شد مقر حکمرانی خود را از قلعه ی فلک الافلاک به ده بالا در پشتکوه منتقل نماید. وی هنگامی که به پشتکوه آمد تعدادی از طوایف وفادارش را از پیشکوه لرستان با خود آورد و در آن منطقه اسکان داد. والیان پشتکوه هیچ گاه در صدد شورش علیه حکومت مرکزی ایران برنیامدند و همواره مطیع و مجری دستورات حکومت مرکزی بودند. والیان پشتکوه با انجام خدمات نظامی و مالی برای حکومت مرکزی، رضایت شاهان وقت را با ادامه حکمرانی خویش به دست می آوردند. محدود شدن و تداوم حکمرانی والیان لرستان در منطقه ی پشتکوه سبب شد که آن منطقه ی کم اهمیت به صورت یک ایالت منسجم با مرزهای مشخص در آید. مهم ترین دستاورد حکمرانی والیان فیلی از آن جهت است که ثبات و امنیت را در منطقه ی پشتکوه برقرار کردند و یک محیط امن را برای رعایای تحت امرشان بوجود آوردند که براحتی بتوانند به کار و فعالیت پردازند.

پشتکوه در دوره ی قاجار با وجود هم مرزی با امپراتوری عثمانی و تجاوزات مکرر اعراب عراق، قوای عثمانی و دیگر دشمنان، یکی از امن ترین مناطق ایران بود. ایلات و عشایر پشتکوه هرچند همیشه با سختگیری ها و زیاده ستانی های والیان، خان ها و توشمالان مواجه بودند اما از آنجا که والیان از جنگ و جدال آنها با یکدیگر ممانعت می نمودند و از تجاوزات دیگر دشمنان به آنها جلوگیری می کردند و از این طریق امنیت نسبی را در منطقه ی پشتکوه برقرار می کردند.

مرزداری و دفاع از قسمت طولانی از مرزهای غربی ایران یکی دیگر از مهم ترین دستاوردهای حکمرانی والیان فیلی در پشتکوه است. آنها با اتکا به نیروهای ایلات و عشایر پشتکوه سد محکمی در مقابل توسعه طلبی دولت عثمانی ایجاد کردند و بارها هجوم قوای عثمانی را به مرزهای غربی ایران دفع کردند و اجازه ی تصرف هیچ منطقه ای از قلمروشان را به آنها ندادند. ایلات پشتکوه چه در دوران والیان فیلی ه در دوران بعد از آنها وظیفه ی خود را به عنوان مرزدار در دفاع از مرزهای ایران به خوبی ایفا کردند.

از دیگر دستاوردهای حکمرانی والیان فیلی، کمک به حکومت مرکزی در برقراری ثبات و امنیت در مناطق همجوار پشتکوه بود. والیان پشتکوه بارها حکومت مرکزی را در دفع شورش ایلات سرکش لرستان، کرمانشاه و خوزستان یاری دادند و در برقراری امنیت در آن مناطق نقش مؤثری ایفا کردند.

در دوره حکمرانی والیان فیلی چندین شورش علیه آنها صورت گرفت که همه توسط فرزندان و نزدیکان آنها رهبری می شد. هر چند والیان فیلی این شورش ها را دفع کردند اما اینگونه حوادث نه تنها در تضعیف حکمرانی آنها مؤثر بود بلکه برای مدتی نظم و امنیت را در پشتکوه به هم زد. در نتیجه ی شورش ها و کشمکش هایی که در پشتکوه رخ داد، بسیاری از طوایف طرف مغلوب از ترس انتقام پشتکوه را ترک کردند و به دیگر مناطق به ویژه عراق فرار کردند.

ثروت و قدرت در دوره ی والیان از رمه و گله و خدم و حشم مایه می گرفت و بیشتر درآمد والیان از عایدات رعایای کوچ نشین قلمروشان تامین می شد. از این رو آنها مخالف هرگونه تغییری در شیوه ی معیشت ساکنان پشتکوه بودند. ساکنان پشتکوه برای تامین معاش خود علاوه بر دامداری به کشاورزی نیز می پرداختند. منتهی از آنجا که فعالیت عمده ی آنها متوجه پرورش دام بود در بخش کشاورزی فعالیت ناچیزی تنها برای تامین نیاز خانواده انجام می دادند.

مهم ترین پدیده ی اجتماعی پشتکوه در دوران والیان مهاجرت بود. در این دوره عده ی زیادی از ایلات و عشایر پشتکوه به خاطر عواملی چون افزایش و سنگینی مالیات، قحطی و خشکسالی و فقر و بیکاری به عراق مهاجرت کردند و در شهرهای خانقین، مندلی، بدره، زرباطیه، علی غربی، عماره و بویژه در شهر بغداد ساکن شدند و به تابعیت دولت عثمانی درآمدند.

فهرست منابع

- مرادی مقدم، مراد، تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلیدر عصر والیان پشتکوه (ایلام)

اسامی برخی افراد که در این پژوهش با آنها مصاحبه انجام گرفته است.

- فرامرز اسماعیلی

- محمد ژکس

- علی خان احمدی

- مراد آبسالان

- نورمحمد رضایی

- یارمحمد رضایی

- میرحسن جوادی